

## در باب معماری

### شراره پورمژدهی (رشته مرمت بناها و بافتهای تاریخی)

جهان مجموعه‌ای از نقاط کانونی نظام داده شده است یا مناطق نامگذاری شده می‌باشد و شامل آسمان و زمین، خدایان و فانیان می‌باشد و هر چیز با هویت خود این امور چهارگانه را به نحوی گرد هم می‌آورد، پس هر بنایی به نوبه خود چیزی منحصر به فرد است که امور چهارگانه را گرد آوری می‌کند و مقری برای آن تأمین می‌کند. پس جهان همچون تمامیتی از چیزها، مجموعه‌ای صرف از اشیاء نیست و مکان قبل از آنکه بنایی باشد وجود ندارد بنابراین چنین نیست که یک بنا به سراغ مکان معینی برود و آن را اشغال کند درست برعکس مکان به اعتبار احداث آن بنا بوجود می‌آید و همه عوامل که در آنجا هستند (خدا، موجود انسانی (فانیان)، زمین و آسمان) بنا به منزله یک "چیز" به همه آنها مربوط است و آنها را چنانکه هستند ظاهر می‌سازد.

هنگامی که چیزها برای نخستین بار نامیده می‌شوند آنچنانکه هستند شناخته می‌شوند و نامیدن، آنها را حفظ کرده و جهانی برایشان باز می‌شود و زبان این جهان را حفظ می‌کند چنانکه هایدگر «زبان را به منزله خانه وجود (House Of Being) تعریف می‌کند». و دستیابی انسان به جهان از خلال گوش کردن و پاسخگویی به زبان است.

در کل گرد آوردن جهان به مثابه یک بنایی منجسم است و انسان قادر است که جهان را در بناها و چیزها انسجام بخشد و انسجام بخشیدن خاصیت کار هنری می‌باشد که کارکرد بنیادی هنر همان گرد آوردن پیچیدگیها و تضادهای زیست - جهان است.

اثر هنری جهانی را می‌گشاید، اثر هنری بازنمایی نمی‌کند بلکه به حضور می‌آورد، چیزی را حاضر می‌سازد و برای اولین مرتبه منظر اشیاء را به آنها می‌دهد. امروزه ما عادت کرده‌ایم که درباره هنر با عباراتی نظیر فرانمود (expression) و باز نمود (representation) بیندیشیم و انسان یا جامعه را منشاء آن در نظر آوریم در حالی که هایدگر بر این نکته تأکید می‌کند که عامل انجام کار نیست که باید شناخته شود بلکه واقعیت وجودی ساده آن است که توسط اثر گشوده شده است و باید شناخته شود و این واقعیت هنگامی آشکار می‌شود که جهانی گشوده شود تا به چیزها دید خودشان را ببخشد.

از این رو مقصود اصلی معماری، قابل دیدن ساختن این جهان می‌باشد و یک اثر معماری تمامیت جهان را قابل دیدن نمی‌سازد بلکه فقط قسمتهایی را نمایان می‌سازد و این قسمتها در مفهوم مکانمند (فضایی) تشکیل می‌شوند که هایدگر این فضایی بودن (Spatiality) را از فضا (Space) در مفهوم ریاضی جدا می‌کند و این به معنی آن است که چیزهایی که یک سرزمین را بنیان می‌گذارند نامگذاری می‌کند و فضایی بودن یک ویژگی میان زمین و آسمان است که به منزله یک مکان می‌باشد.

در کل مکان با احداث انواع مقر در فضاها، مقری برای وحدت ساده زمین و آسمان، خدایان و فانیان تأمین می‌کند. مکان به امور چهارگانه به دو معنا فضا ایجاد می‌کند:

۱) ورود به این امور را امکان می‌دهد ۲) امور را مستقر می‌کند و هر دوی هم تعلق دارند چنین چیزهایی به منزله کاشانه هستند و نه الزاماً خانه‌های مسکونی به همین دلیل بناکردن در اصل به معنای سکناگزیدن است و سکناگزیدن نحوی است که فانیان روی زمین اند و بناکردن به معنای در جایی ماندن و استقرار یافتن یا اقامت افکندن می‌باشد.

ماهیت بناکردن از این طریق تحقق می‌یابد که با اتصال فضاها مکانها احداث شوند تنها اگر بتوانیم سکونت کنیم آن‌گاه می‌توانیم بنا کنیم و بناکردن این است که با اتصال فضاها، مکانها احداث می‌شود.

هایدگر می‌گوید: محیط ما ساختاری فضایی دارد و تعیین موقعیت را سهل می‌کند و اشیاء ملموسی را شامل می‌شود که تعیین هویت می‌کنند و در نتیجه تعیین هویت و موقعیت جنبه‌های اولیه بودن در جهان انسان هستند و ما می‌فهمیم که هویت انسانی تا حد زیادی به کارکرد مکانها و چیزها مربوط است. فضاهایی که ما به طور روزمره از لا به لایشان عبور می‌کنیم از مکانها تشکیل یافته‌اند.

(نظریه شخصی):

پس معماری وسیله‌ای است برای بوجود آوردن فضاها و هویت بخشیدن به آنها می‌باشد و قابل رویت کردن فضاها بوسیله آن امور است.

معضل امروز معماری ما این می‌باشد که در جوامع ابتدایی کوچکترین جزئیات محیطی شناخته شده و پر

معنا هستند و ساختار فضایی پیچیده‌ای را شکل می‌دهد ولی جوامع مدرن توجه به کارکرد عملی جهت یابی معطوف شده و هویت بخشی به تصادف واگذار شده است.

به گفته دکتر فلامکی «معماری» به معنای گسترده‌ای، هر گونه آفرینشی بدست انسان است که متناسب با نیازها و ابعادی انسانی، در بستر طبیعت جای می‌گیرد، امری که در نهایت، به دگرگونی عناصری می‌برد که سرزمین موقع و موضع این آفرینش را می‌ساخته‌اند. و این، که همین فرآورده، خود نیز پس از زاده شدن دگرگونی می‌یابد یعنی کالبد و کاربریهایش شکلهایی دگر می‌یابند اصلی است تجربه است اما کم شناخته شده».

(نظریه شخصی، نتیجه):

پس در کل می‌توان گفت معماری ابزار است برای هویدا کردن فضاها و وسیله‌ای است برای قابل رویت ساختن جهان برای فهم هر چه بیشتر حقیقت وجودی آن که بوسیله علائم قراردادی و بصری درک می‌شود و از طریق تفکر درست، این علائم هر چه بهتر در این درک به ما انسانها کمک می‌کنند.

---

منابع:

- ۱- تفکر هایدگر درباره معماری / کریستین نوربرگ شولتر / ترجمه نیرطهوری
- ۲- پدیده مکان / کریستین نوربرگ شولتر / ترجمه نیرطهوری
- ۳- معماری قدیم و تکنولوژی جدید - بناکردن، سکونت کردن و فکر کردن / مارتین هایدگر
- ۴- شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب / دکتر منصور فلامکی

<http://pardis.150m.com>

YAGHESHI  
A PERSONAL SITE